

پولشویی و مؤسسات مالی

مینا جزایری^۱

چکیده

پولشویی فرایندی مشتمل بر سه مرحله جایگذاری، لایه گذاری و درهم آمیزی است که به واسطه آن، عواید حاصل از جرم، با هدف پنهان نمودن منشأ غیرقانونی آن تغییر شکل می یابد. براین اساس تطهیرکنندگان پول با اعمال روش ها و تکنیک های متفاوت و پیچیده، با تزریق عواید حاصل از فعالیت های مجرمانه به شبکه مالی رسمی (جایگذاری)، نقل و انتقال وجوه مزبور برای مبهم ساختن منشأ غیرقانونی آن (لایه گذاری) و به کارگیری وجوه و منابع برای تحصیل و خریداری دارایی های مشروع (درهم آمیزی)، به مال یا عواید حاصل از جرم، ظاهری قانونی و مشروع می بخشند. در این فرایند، مؤسسات مالی به ویژه بانک ها از جمله نهادهایی هستند که به دلیل انطباق ساختار آن ها با اهداف پول شویان، به منظور تطهیر و شستن پول های کثیف مورد استفاده قرار می گیرند. دولت و به ویژه مؤسسات مالی از یک طرف ملزم به حفظ حقوق شهروندان و عدم تجاوز به حریم حقوقی خصوصی آنان بوده و از طرف دیگر در اجرای ضوابط مربوط به جلوگیری از پولشویی که عمدتاً معطوف به استفاده مجرمانه از مؤسسات مالی می باشد مکلف به رعایت اصولی چون شناسایی مشتریان، گزارش دهی

۱. رئیس گروه بازرسی اداره نظارت بر بانک ها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

عملیات مشکوک و نظایر آن هستند. این مقاله با تأکید بر نقش مؤسسات مالی در مبارزه با پولشویی، ضمن ارائه تعریف پولشویی به بررسی وظیفه اصلی این مؤسسات در زمینه شناسایی مشتریان، نگهداری سوابق معاملات و حساب‌ها و گزارش معاملات مشکوک می‌پردازد و به برخی از مصادیق معاملات مشکوک در نظام بانکی نیز اشاره می‌کند.

مقدمه

پدیده پولشویی، فرایند پیچیده‌ای است که عموماً از قلمرو یک کشور فراتر می‌رود و عواید و وجوه غیرقانونی حاصل از فعالیت‌های مجرمانه با گذر از سرزمین‌های مختلف از طریق مؤسسات مالی یا دیگر واسطه‌های مربوط و یا از راه اجرای عملیات متعدد بانکی، شسته و تطهیر می‌شود. پولشویی تالی فاسد، نقض اصول اخلاقی و سستی بنیان ارزش‌های اجتماعی را به همراه دارد و حتی به پایه‌های آزادی و دموکراسی در کشورها خلل وارد می‌سازد؛ زیرا عواید حاصل از این جرم، صرف دادن رشوه به اشخاص یا حکومت‌ها می‌گردد.

پولشویی، جرایم سازمان‌یافته و جرایم مالی به یکدیگر مرتبط هستند. جلوگیری از ارتکاب جرم پولشویی، ردیابی و تعقیب عواید حاصل از آن به دلیل ابعاد پیچیده این جرم و روش‌ها و فنونی که مجرمان به کار می‌گیرند، برای کشورها بسیار دشوار است. روش‌ها و فنونی که مجرمان (بر حسب نوع قانونگذاری و قضای حاکم بر کشور و میزان عواید حاصل از جرم) در این زمینه مورد استفاده قرار می‌دهند، متفاوت است. در کشورهایی مثل ایران که معاملات در آن‌ها به صورت نقدی انجام می‌شود، تغییر شکل یا تبدیل وجه نقد بسیار آسان است. در این گونه کشورها عواید حاصل از جرم ممکن است به صورت نقدی مورد استفاده قرار گیرد یا در صورت لزوم در بانک‌ها و مؤسسات مالی سپرده‌گذاری شود. بر عکس، در کشورهایی که در آن‌ها معاملات نقدی (به لحاظ وجود مقررات و عرف حاکم) متداول نیست، انجام پولشویی از طریق این گونه معاملات بسیار دشوار است. به همین دلیل، مجرمان با تأسیس شخصیت‌های حقوقی، خواه تجاری و خواه غیرتجاری، اقدام به این عمل می‌کنند. شایان ذکر

است که تأسیس اشخاص حقوقی، عمدتاً در حوزه‌های قضایی کشورهایی که مقررات به نسبت آسانی درباره تأسیس و ثبت شرکت‌ها دارند، امکان پذیر است. یادآور می‌شویم که به موجب اصول (۴۶)^۱ و (۴۷)^۲ قانون اساسی، کسب و کار مشروع و مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. همچنین به موجب اصل (۴۹) قانون اساسی: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از غصب، رشوه، اختلاس، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی و فروش زمین‌های موات مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته، به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او، به بیت‌المال بدهد. این حکم را دولت باید با رسیدگی، تحقیق و ثبوت شرعی اجرا کند.»

هرچند عده‌ای اعتقاد دارند که اصل (۴۹) قانون اساسی از قابلیت لازم در خصوص مبارزه با جرم پولشویی برخوردار است، لیکن طبق اصل یاد شده وظیفه دولت صرفاً ناظر به ضبط اموال حاصل از مجاری غیر قانونی است؛ درحالی که پولشویی، پلی است که اقتصاد رسمی و قانونی کشور را به اقتصاد غیر رسمی و غیر قانونی متصل می‌سازد. به همین دلیل جلوگیری از پولشویی و ورود وجوه و منابع غیر قانونی به نظام مالی کشور، مستلزم داشتن مبانی قانونی برای شناسایی مشتریان، گزارش عملیات مشکوک و ... است.

در ضمن با توجه به ابعاد جرم پولشویی باید پذیرفت که این جرم امری ساده نیست که قانونگذاران یک کشور بتوانند آن را خلاصه و به صورت نسخه‌ای پیچیده شده از کشور دیگر اقتباس کنند؛ به ویژه آن که از سال ۱۹۹۵ میلادی به بعد جرم پولشویی علاوه بر قاچاق مواد مخدر به تمام جرایم مرتبط با آن و همچنین به جرایم بزرگ تسری یافته است. دولت‌ها، به ویژه مؤسسات مالی، از سویی ملزم به حفظ حقوق شهروندان و عدم تجاوز به حریم حقوق خصوصی آنان بوده و از سویی دیگر در اجرای ضوابط مربوط به جلوگیری

۱. اصل ۴۶: هر کس مالک کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب نماید.

۲. اصل ۴۷: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آن را قانون تعیین می‌کند.

از پولشویی که عمدتاً معطوف به استفاده مجرمانه از مؤسسات مالی است، مکلف به رعایت اصولی چون شناسایی مشتریان، گزارش عملیات مشکوک، تحقیق در مورد منشأ مال، سلب حق از وجوه شسته شده و نادیده گرفتن حفظ اسرار حرفه‌ای هستند.

همچنین به دلیل ماهیت جهانی این پدیده، همکاری کشورها با یکدیگر در این خصوص ضروری است. این امر به منزله همکاری با مراجع ذی‌ربط بین‌المللی و سایر کشورها در خصوص ضبط و توقیف مال، تشخیص منشأ و ردیابی اموال و ... است. انجام دادن این امور نه تنها به معنای ورود به حوزه‌هایی است که تغییر در بخشی از قوانین ملی را ضروری می‌سازند، بلکه به دلیل نبود پیشینه در نظام سستی قانونگذاری موجب اعتراض مؤسسات مالی و حقوقدانان نیز خواهد گردید.

علی‌رغم پیشرفت فناوری و توجه مجرمان به نهادهای موازی و مؤسسات مالی غیر بانکی، کماکان بانک‌ها از جمله مؤسساتی هستند که برای تطهیر و شستن پول‌های کثیف از آن‌ها استفاده می‌شود؛ زیرا ساختار آن‌ها برای جرم پولشویی مناسب و از همه سو با اهداف پول‌شویان منطبق است؛ برای مثال، مجرمان می‌خواهند پول نقد حاصل از جرائم در محل امنی نگهداری شود و افزون بر آن به این پول سود نیز تعلق گیرد و با فعل و انفعالاتی که از طریق عملیات بانکی بر روی آن انجام می‌شود، مالکیت و منشأ واقعی آن هم پنهان بماند. بدین ترتیب، نقش مؤسسات مالی، به ویژه بانک‌ها، در مبارزه با پولشویی بی‌ارگ است. لذا در گزارش حاضر سعی می‌شود پس از شرح مختصری از جرم پولشویی، وظایف اساسی مؤسسات مالی، مانند شناسایی مشتری، نگهداری سوابق و گزارش‌دهی معاملات مشکوک، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. پولشویی چیست؟

گروه کاری برای مبارزه با جرم پولشویی^۱، این جرم را (که کمابیش تعریف پذیرفته شده بین‌المللی جرم مذکور است) به شرح ذیل تعریف می‌کند:

1. The Financial Action Task Force (FATF).

الف) تحصیل، تملک، نگهداری، تصرف یا استفاده از عواید حاصل از جرم با علم به این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب) تبدیل، مبادله یا انتقال عواید حاصل از جرم به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی آن با علم به این که آن عواید به طور مستقیم یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم ناشی شده‌اند و نیز کمک به مرتکب این جرم، به نحوی که مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن نگردد.

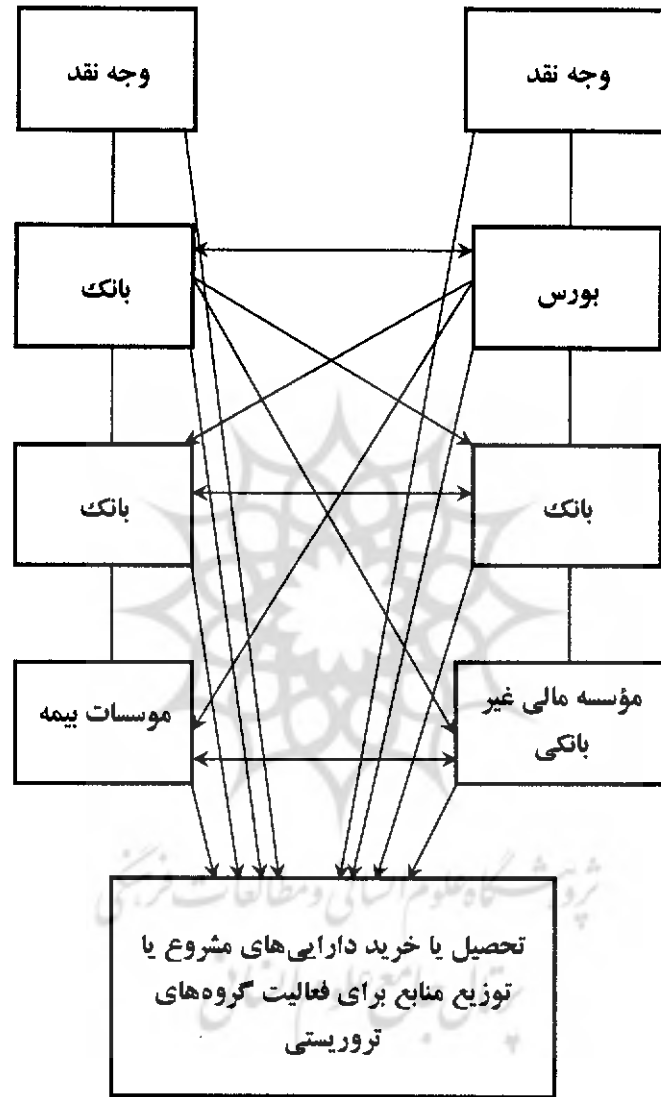
ج) اخفا، پنهان و یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، محل، نقل و انتقال، جا به جایی یا مالکیت عواید حاصل از جرم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن برمی‌گردد و نتیجه آن تلقی می‌شود.

چنان که ملاحظه می‌گردد، پولشویی به معنی تغییر دادن ماهیت مال یا تبدیل مالی به مالی دیگر است. در فرآیند مذکور، مال حاصل از ارتکاب جرم منشأ، با اموال مشروع و غیر مشروع دیگری آمیخته می‌شود. این جرم دارای ماهیت پیچیده و مستمر است و عواید حاصل از جرم با هدف پنهان ماندن منشأ و در ظاهری قانونی، از مرزهای جغرافیایی کشور فراتر می‌رود و در کشور دیگری سرمایه‌گذاری می‌شود.

تعاریف اولیه جرم پولشویی صرفاً ناظر به قاچاق مواد مخدر بوده است. قاچاقچیان با هدف تغییر منشأ و تبدیل وجوه نقدی که از فروش مواد مخدر به دست می‌آمد، آن‌ها را نزد مؤسسات مالی سپرده‌گذاری می‌کردند یا با این وجوه حاصل از معاملات مواد مخدر، ابزارهای مالی دیگری می‌خریدند. امروزه جرم پولشویی علاوه بر قاچاق مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن، به جرائم مهم دیگر مانند اختلاس و ارتشا، فروش اسلحه و قاچاق انسان نیز تسری یافته است.

نمودار (۱) گردش عملیات وجه نقد حاصل از عملیات مجرمانه در مؤسسات مالی (اعم از بازار پول و سرمایه) را نشان می‌دهد. چنان که ملاحظه می‌شود، وجوه نقد سپرده‌گذاری شده در مؤسسات مالی سرانجام به خرید یا تحصیل انواع دارایی‌های مشروع یا تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های تروریستی منتهی می‌گردند.

نمودار ۱- گردش عملیات وجه نقد مشروع یا حاصل از
عملیات مجرمانه در مؤسسات مالی



وجه مشترک پولشویی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی عمل اخفا یا پنهان کردن است. در پولشویی، منابع مالی نامشروع از طریق مجاری قانونی مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرند تا منشأ غیر قانونی آن‌ها پنهان شود؛ لیکن در تأمین مالی گروه‌های تروریستی ممکن است مال دارای منشأ قانونی و مشروع نیز باشد.

نمودار زیر، فرآیند جرم پولشویی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی را نشان می‌دهد.



چنان‌که ملاحظه می‌شود، تفاوت عمده پولشویی با تأمین منابع گروه‌های تروریستی صرفاً به این مطلب باز می‌گردد که در «تأمین مالی گروه‌های تروریستی» وجوهی که در مؤسسات مالی سپرده می‌شوند، قانونی و مشروع یا حاصل از عملیات مجرمانه‌اند. بدیهی است مجرمان باید به مؤسسات مالی دسترسی داشته باشند. این مؤسسات وسایل و ابزارهای لازم برای انتقال منابع در سطوح داخلی و خارجی را برای مجرمان فراهم می‌سازند. انواع مؤسسات مالی بر حسب ماهیت، طبیعت بازار و اقتصاد کشورها متفاوت هستند. باید در نظر داشت کماکان سپرده‌گذاری و حواله وجه نقد، یکی از روش‌های شاخص شستن پول‌های کثیف است.

۲. مراحل فرآیند پولشویی

جرم پولشویی دارای مراحل است. همان‌طور که به اختصار بیان شد، پولشویی از سه مرحله مختلف زیر تشکیل می‌شود:

۲-۱. جایگذاری

اولین مرحله از فرآیند جرم پولشویی، جایگذاری یا تزریق عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه به شبکه مالی رسمی، با هدف تبدیل و تغییر مالکیت آن است. جایگذاری عواید حاصل از جرم، با تقسیم وجوه نقدی کلان به مبالغ کوچک صورت می‌گیرد. این شیوه که اصطلاحاً اس‌مورفینگ^۱ نامیده می‌شود، به نحوی است که وجوه سپرده‌گذاری شده (کمتر از سقف معین پیش‌بینی شده برای گزارش دهی) متعاقباً به خارج انتقال می‌یابند و به سرعت استرداد می‌شوند. این روش را در اغلب کشورها، مجرمان مورد استفاده قرار می‌دهند (حتی اگر سقف معینی برای گزارش دهی معاملات نقدی وجود نداشته باشد).

یکی دیگر از روش‌هایی که مورد استفاده تطهیر کنندگان پول قرار می‌گیرد، استفاده از نام بستگان نزدیک یا سایر اشخاصی است که به گونه‌ای با مجرمان در ارتباط هستند. همچنین تشکیل شرکت‌های صوری یا شرکت‌هایی که اساساً به منظور پولشویی تأسیس می‌شوند و در

1. S.murfing.

نقاطی به ثبت می‌رسند که مقررات در این خصوص آسان است، از دیگر روش‌های معمول در این زمینه است.

روش دیگری که مورد استفاده اقلیت‌های قومی قرار می‌گیرد، این است که مهاجران مبالغ جزئی و کم را در یک حساب مشترک می‌ریزند. گردش این حساب به نحوی است که واریز به آن، توسط اشخاص غیرمرتبط یا به صورت مبالغ جزئی صورت می‌گیرد. خاطر نشان می‌سازد این روش که مهاجران به شکل قانونی برای فرستادن وجوه خود از آن استفاده می‌کنند، مورد استفاده مجرمان نیز قرار می‌گیرد.

۲-۲. لایه‌گذاری

لایه‌گذاری مرحله دیگری از جرم پولشویی است. این مرحله معطوف به جداسازی عواید حاصل از جرم، از منشاء غیرقانونی آن است. این عمل از طریق ایجاد لایه‌های پیچیده ناشی از معاملات (نقل و انتقالات) چندگانه با هدف مبهم ساختن زنجیره عطف حسابرسی^۱ و عدم امکان ردیابی منشاء مال صورت می‌پذیرد. این امر، متضمن انجام دادن عملیاتی مانند حواله وجه سپرده شده نزد مؤسسه مالی به مؤسسه دیگر، یا تبدیل سپرده نقدی به اسناد پولی دیگر (اوراق بهادار، سهام و چک‌های مسافرتی) است.

۲-۳. درهم‌آمیزی یا یکپارچه‌سازی

آخرین مرحله در فرآیند پولشویی، یکپارچه‌سازی یا فراهم آوردن پوشش و ظاهری مشروع برای توجیه قانونی عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه است. چنانچه مرحله لایه چینی با موفقیت انجام شود، عواید حاصل از جرم باید به نحوی وارد چرخه اقتصاد قانونی و رسمی گردد.

این مرحله، از طریق روش‌های متعددی، مانند سوق‌داری‌های نامشروع به سوی اشخاص و شرکت‌هایی که به نحوی با مجرمان در ارتباط هستند، یا از طریق روش‌های دیگری مانند تأسیس شرکت‌های پوششی و غیره انجام می‌پذیرد.

۳. وظایف مؤسسات مالی در زمینه جرم پولشویی

همان‌طور که در فرآیند جرم پولشویی تصریح شد، وجوه نقد حاصل از عملیات مجرمانه در مؤسسات مالی سپرده‌گذاری می‌شوند. از این‌رو این اجماع کلی در همه کشورها وجود دارد که هرگونه تلاش برای مبارزه با جرم پولشویی مستلزم آن است که مؤسسات مالی در این زمینه مسئولیت‌هایی را بپذیرند. کمیته امور مقررات بانکی و شیوه‌های نظارتی، موسوم به کمیته بازل^۱، سه وظیفه اصلی برای مؤسسات مالی به شرح زیر در نظر گرفته است:

۳-۱. شناسایی مشتری

گروه کاری اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی و کمیته بازل (نهاد نظارتی مؤسسات مالی) از کشورها خواسته‌اند که ضوابط و مقررات لازم و ویژه‌ای در خصوص شناسایی مشتریان داشته باشند. این مقررات می‌باید به طور یکسان درباره اشخاص حقیقی و حقوقی اعمال و به نحوی تدوین گردد که مؤسسات مالی همواره اطلاع و علم کافی در مورد مشتریان و عملیات آنان داشته باشند.

شناسایی مشتری، ناظر به شناسایی اصیل و واقعی است. کمیته بازل از بانک‌ها خواسته است که به هنگام ارائه خدمات یا انجام دادن عملیات به این نکته توجه داشته باشند که معامله دارای منطوق و مفهوم است و لذا آن‌ها باید تلاش کنند تا مشتری در صدد پنهان کردن مطلبی نباشد.

۱. کمیته امور مقررات بانکی و شیوه‌های نظارتی در سال ۱۹۷۴ میلادی توسط نمایندگان کشورهای گروه (۱۰) با هدف نظارت بر نظام بانکی تأسیس گردیده است. کمیته مذکور یک نهاد نظارتی رسمی محسوب نمی‌گردد، لیکن مقررات و ضوابط مربوط به نظارت احتیاطی را تهیه و تدوین می‌کند و مقامات صلاحیت‌دار کشورها آن‌ها را با توجه به نظام حقوقی کشور خود مورد اقتباس و اجرا قرار می‌دهند.

کمیته مذکور از مؤسسات مالی خواسته است که در مورد تعیین هویت مشتریان خود اعم از مشتریان دائم و مشتریان اتفاقی (گذری) اقدام کند و از ارائه خدمات به آن دسته از مشتریانی که مدارک مربوط به حرفه و نوع کار خود یا منشاء مال را پنهان می‌کنند، خودداری ورزند. عدم اجرای این امور، قصور در انجام دادن وظیفه تلقی خواهد شد و متضمن مجازات‌های سنگینی برای مؤسسات مالی خواهد بود.

شایان گفتن است که هر مؤسسه دارای دو نوع مشتری است:

• مشتریان دائمی: درخصوص مشتریان دائمی نظارت مستمر بر گردش معاملات و عملیات آنان ضروری است.

• مشتریان گذری یا اتفاقی: چنانچه انجام دادن عملیاتی که این مشتریان تقاضا می‌کنند، مشکوک یا از سقف معینی بیش‌تر باشد، ارائه گزارش به مرجع ذیربط یا نهاد مبارزه با پولشویی ضروری است.

کمیته بازل، همچنین از مؤسسات مالی خواسته است از همکاری با آن دسته از مشتریان و متقاضیانی که اطلاعات ناقص و غیر واقعی ارائه می‌کنند، یا در صدد گمراهی مجریان قانون هستند، خودداری کنند.

۱-۱-۳. قلمرو شناسایی مشتری

شناسایی مشتری فقط محدود و منحصر به مؤسسه مالی نیست؛ بلکه این امر به کلیه شعب و شرکت‌های وابسته به آن، در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، تسری می‌یابد.

۲-۱-۳- «مشتری کیست؟»

کمیته بازل مشتری را به شرح زیر تعریف می‌کند:

- شخص حقیقی و حقوقی که راساً مبادرت به افتتاح حساب نزد مؤسسه مالی می‌کند یا شخص و اشخاص دیگری به نمایندگی از او اقدام به افتتاح حساب می‌کنند؛
- ذی‌نفع معاملاتی که اشخاص حرفه‌ای، مانند وکیل یا حسابدار و یک نماینده، برای او تقاضای انجام عملیات یا ارائه خدمت از ناحیه نظام بانکی می‌کنند؛

• شخص حقیقی و حقوقی که به نحوی به معامله مرتبط است.

۳-۱-۳. فلسفه شناسایی مشتری

شناسایی مشتری عمدتاً ناظر به این امر است که مشتری برای خود یا به نمایندگی از شخص ثالث عمل می‌کند. چنانچه بانک از طریق ارائه مدارک، قادر به شناسایی مشتری نشود و دلایل و قرائن کافی وجود داشته باشد که وی برای شخص دیگری اقدام می‌کند، باید در این خصوص مقررات خاصی پیش‌بینی نمود، با این توضیح که شناسایی مالک یا ذی‌نفع واقعی بسیار مشکل است، به‌ویژه در خصوص آن دسته از شرکت‌هایی که دارای مالکیت شرکت‌های دیگر هستند و کنترل دیگر شرکت‌ها را در اختیار دارند.^۱

بدیهی است مؤسسات مالی می‌باید با ریسک‌گریزی در خصوص احتمال استفاده مجرمانه از مؤسسات مالی، مابین امتناع از ارائه خدمات به اشخاص موردنظر، از یک سو و تمایل به جذب مشتری از سوی دیگر توازن برقرار کنند. به هر صورت، عدم ارائه خدمت لزوماً باید مبتنی بر تصمیم مقامات ارشد مؤسسه باشد. البته این حساسیت باید وجود داشته باشد که ضوابط مربوط به شناسایی و تمهیداتی از این دست، مانع عدم ارائه خدمت به مشتریان نگردد.

شناسایی مشتریان باید بر اساس مدارکی که جعل آن‌ها مشکل یا غیرممکن است و همچنین مرجع رسمی ذی‌صلاح آن‌ها را صادر کرده‌اند، انجام پذیرد. در این زمینه از مؤسسات مالی خواسته شده که اسناد معتبر رسمی، مانند گذرنامه، گواهی‌نامه رانندگی و شناسنامه را برای شناسایی مشتری ملاک عمل قرار دهند.

اشخاص حقوقی اعم از تجاری و غیرتجاری نیز باید با این هدف مورد شناسایی واقع شوند که اساس و شالوده تشکیل آن‌ها برای پولشویی و عملیات مجرمانه یا کمک به این امور

۱. سوابق شخصی یا موقعیت سیاسی یا اجتماعی، منشاء مال و مانند آن، شاخص‌هایی هستند که در شناسایی مشتری باید به آن‌ها توجه و حتی ضوابط خاص در این خصوص طراحی کرد.

نبوده باشد و اشخاص ذی‌نفع در این مؤسسات به هر نحو با سازمان‌های مجرم و اشخاص تبهکار در ارتباط نباشند.

جمع آوری اطلاعات در خصوص اشخاص حقوقی به صورت زیر انجام می‌شود:

• نام و شکل حقوقی سازمان متقاضی؛

• نشانی؛

• اسامی مدیران؛

• سهامداران عمده؛

• نماینده یا نمایندگان که برای مؤسسه یا شخص حقوقی فعالیت می‌کنند.

۲-۳. نگهداری سوابق

بیانیه بازل از بانک‌ها خواسته است که در زمینه نگهداری سوابق معاملاتی و بین‌المللی مشتریان خود اقدام کنند. همچنین این تکلیف به سوابق مربوط به حساب‌ها، مکاتبات تجاری و شناسایی مشتری نیز تعمیم یافته است. دوره نگهداری سوابق، حداقل پنج سال بعد از بسته شدن حساب است. به هر صورت، باید توجه داشت دسترسی به اطلاعات و سوابق مربوط به مشتریان صرفاً در خصوص جرم پولشویی امکان پذیر خواهد بود. نگهداری سوابق به دو دلیل صورت می‌گیرد:

الف) تحقیق و پیگرد مرجع صالح برای مبارزه با پولشویی در صورتی موفق خواهد بود که امکان دسترسی به سوابق و شواهد برای شناخت معاملات و عملیات بانکی وجود داشته باشد.

ب) الزام مؤسسات مالی به نگهداری سوابق، ناظر بر جلوگیری مؤسسات مالی از همکاری در معاملات مشکوک است؛ چرا که چنین الزامی مؤسسات مالی را مکلف می‌سازد که بنیانی صحیح برای کنترل داخلی و نظارت بر گردش عملیات مشکوک فراهم سازد. گفتنی است هر چند نگهداری سوابق گزارش‌دهی و سوابق مربوط به مشتریان، یکی از پایه‌های اساسی مبارزه با پولشویی است، لیکن این نظام باید به نحوی تدوین شود که حاوی شرایط زیر باشد:

۱. سوابق خصوصی، محرمانه تلقی شود؛
۲. دسترسی کامل به سوابق، نیازمند طی مراحل قضایی و از طریق نهادی با مجوز مرجع قضایی باشد؛
۳. اطلاعات و سوابق موجود نزد مؤسسات مالی فقط در اجرای قانون پولشویی مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۳. گزارش‌دهی معاملات مشکوک

براساس یک اجماع کلی، گزارش‌دهی معاملات مشکوک، یکی از جنبه‌های کلیدی مبارزه با پولشویی است. رویه‌های مختلفی درخصوص نظام گزارش‌دهی وجود دارد؛ برای مثال در بعضی از کشورها گزارش معاملات بیش از سقف معینی اجباری است (ایالات متحده آمریکا). در مقابل، در بعضی از کشورها مؤسسات مالی مکلفند معاملاتی که مشکوک تلقی می‌شوند و به عبارتی احتمال می‌رود این معاملات، تلاشی برای جابه‌جایی وجوه حاصل از فعالیت مجرمانه باشند را به مراجع ذیصلاح گزارش دهند.

البته باید در نظر داشت تعیین آن دسته از معاملاتی که باید گزارش شوند، بسیار دشوار است و این امر مستلزم آموزش و اطلاع‌رسانی کامل به کارکنان مؤسسات مالی در تشخیص و شناسایی معاملات یا روابط مشکوک است. نظام گزارش‌دهی معاملات مشکوک باید همزمان با انجام دادن معامله یا با حداقل فاصله زمانی از آن عمل کند.

۳-۳-۱. تشخیص معاملات مشکوک

معاملات مشکوک دارای ابعاد پیچیده و ویژگی‌های خاصی هستند. مهم‌ترین مؤلفه این معاملات آن است که از الگوها و روش‌های متعارف پیروی نمی‌کنند. هر چند تشخیص این گونه معاملات بسیار مشکل است، لیکن به طور کلی به هر نوع معامله‌ای که فاقد توجیه اقتصادی یا قانونی باشد، «مشکوک» اطلاق می‌شود و مؤسسات باید در این خصوص تحقیقات لازم را انجام دهند. به منظور تشخیص معاملات مشکوک باید نظارت مستمر و دائمی درخصوص عملیات بانکی مشتریان، به ویژه حساب‌های آن‌ها، وجود داشته باشد.

موارد زیر می‌تواند از علائم و نشانه‌های مصادیق مشکوک محسوب گردند:

الف) علائم کلی

- برداشت ناگهانی وجه توسط مشتری پس از واریز به حساب.
- حسابهای غیر فعالی که به سرعت و بدون هیچ دلیل فعال می‌شوند.
- عدم تطابق و تعارض میزان سپرده گذاری یا گردش عملیات حساب با ماهیت و طبیعت حرفه مشتری یا اطلاعات ارائه شده توسط وی.
- ارائه مدارک جعلی و اطلاعات خلاف و غیر واقعی یا عدم ارائه اطلاعات مورد نظر بانک.

- تقاضای انجام دادن عملیات و معاملات پیچیده بانکی که فاقد توجیه قانونی یا اقتصادی است.

ب) علائم مربوط به معاملات نقدی

- واریز نقدی به حساب به یکباره یا به دفعات که با اطلاعات ارائه شده و ماهیت تجارت مشتری در تعارض باشد.
- سپرده گذاری وجه نقد در مؤسسه مالی و سپس انتقال سریع آن از طریق حواله به سایر نقاط یا خارج از کشور، یا صدور چک.
- واریز و برداشت مکرر وجه از حساب، بدون هیچ گونه توجیه یا ارتباط با حرفه مشتری.

• صدور چک با مبالغ بالا.

- انجام دادن مکرر عملیات و معاملات کم‌تر از سقف تعیین شده که موجب گزارش دهی می‌شود.

ج) علائم مربوط به حسابهای سپرده

- بستن یک حساب و باز کردن حساب دیگر با همان نام یا به نام یکی از اعضای همان

خانواده.

- خرید سهام یا اوراق مشارکت با پولی که از خارج وارد شده یا انجام همین عمل پس از سپرده گذاری.
- حواله وجه به بانک دیگر بدون ذکر نام ذینفع.
- بازپرداخت اقساط معوقه وام از طریق ضبط وثیقه سپرده شده به بانک (وثیقه‌ای که می‌تواند منشاء نامشروع و غیر قانونی داشته باشد).

۲-۳-۳. مصونیت قضایی

گزارش دهنده با حسن نیت در مؤسسه مالی باید در برابر ادعاهای اشخاص ثالث حمایت شود. در الگوهای تنظیمی کشورهای مختلف جهان، چه از نوع اروپایی و چه امریکایی، چنانچه گزارش‌دهی با حسن نیت باشد، متضمن خطرات احتمالی تحقیق در محاکم اعم از مدنی و کیفری برای مدیران و کارکنان نیست. براساس نظام‌های مذکور، حتی در مواردی که مؤسسه مالی به طور دقیق نمی‌تواند اعلام کند مورد مشکوک و مظنون ناشی از چه جرمی است، از مصونیت قضایی برخوردار است.

بنابراین یکی از نکات مهم در گزارش‌دهی، مصونیت مؤسسات مالی و کارکنان آنها در برابر هر گونه اقامه دعوی اعم از مدنی و کیفری است، مشروط بر آنکه در انجام دادن عملیات خود با حسن نیت اقدام کرده باشند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از دیدگاه «کمیته امور مقررات بانکی و شیوه‌های نظارتی» (کمیته بازل) تعیین هویت مشتریان دائمی مؤسسات مالی - از طریق نظارت مستمر بر گردش معاملات و عملیات آنها - و مشتریان موقت - با ارائه گزارش معاملات مشکوک یا بالاتر از سقف معین به مرجع مبارزه با پولشویی - از جمله مهم‌ترین وظایف مؤسسات مالی در نظر گرفته شده است. نگهداری سوابق معاملاتی و بین‌المللی مشتریان و سوابق مربوط به حساب‌ها، مکاتبات تجاری و شناسایی مشتری، حداقل به مدت ۵ سال پس از بسته شدن حساب از دیگر وظایف مؤسسات مالی است. فراهم کردن امکان دسترسی به سوابق برای شناخت معاملات به هنگام تحقیق و پیگرد

مراجع قانونی و نیز ایجاد یک سیستم کنترل داخلی و نظارت بر گردش عملیات در مؤسسات مالی، از دلایل ملزم نمودن مؤسسات مزبور برای نگهداری سوابق است. بالاخره گزارش معاملات با میزان بیش از سقف تعیین شده در قانون مبارزه با پولشویی و نیز معاملاتی که از فعالیت مجرمانه ناشی شده و مقدار آن بیش از سقف معین است، ضمن در نظر گرفتن مصونیت قضایی گزارش‌دهنده برای معاملات مشکوک به‌عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی مبارزه با پولشویی محسوب می‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت مؤسسات مالی در اجرای وظایف خود در قبال ممانعت از استفاده مجرمانه برای ارتکاب جرم پولشویی، مکلف به انجام سه وظیفه کلیدی هستند:

الف) شناسایی مشتری

ب) نگهداری سوابق

ج) گزارش‌دهی معاملات مشکوک.

بدیهی است این ضوابط در کشورهای مختلف بر حسب عوامل مختلفی چون انواع مؤسسات مالی و درجه توسعه یافتگی اقتصاد متفاوت است. نحوه تصمیم‌گیری یک کشور در مورد مبارزه با پولشویی بستگی به نظام‌های تنظیم مالی، ویژگی‌های خاص نظام حقوقی از قبیل نظام‌های مدیریت بانکی، گمرکی، کنترل ارز و نظام حقوقی و عمومی آن دارد.

خوشبختانه به موجب اختیارات حاصل از ماده ۱۴ (بندهای ۸ و ۱۰) و بند «ج» ماده ۳۳ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی ضوابطی تحت عنوان «مقررات پیشگیری از پولشویی در مؤسسات مالی» به تصویب شورای پول و اعتبار رسانده که مشتمل بر پنج فصل (تعاریف، کلیات، مدارک و ضوابط برای احراز هویت، شناسایی مشتریان، نگهداری اطلاعات و عملیات بانکی مشکوک و نحوه گزارش‌دهی آن) است؛ با این توضیح که مقررات مذکور، کلیه تکالیفی را که مؤسسات مالی در جهان ملزم به رعایت آن‌ها هستند، دربرمی‌گیرد. تنها نکته مهم در این زمینه آن است که به خاطر عدم تصویب قانون در این خصوص، کارکنان مؤسسات مالی در ایران موارد مشکوک را از طریق ساز و کار پیش‌بینی شده در مقررات، به بانک مرکزی اعلام خواهند کرد.

منابع و مأخذ

1. American Bar Association Central and East European law Initiative (CEELI), "Money Laundering Concept paper". May 1991
2. Basle Committee on Banking Regulations and Supervisory Practice "Purpose of Money Laundering", December 1988.
3. International Monetary Fund, "Intensified Fund Involvement in Anti-money Laundering Work and Combating the Financing of Terrorism", November 5, 2001.
4. Joint Money Laundering Steering Group, "Money Laundering: Guidance Notes for the Financial Sector," London, August 1998.
5. Pinto, Ricardo, Ophelia Chevalier, "Money Laundering As an Autonomous Offence", Inter-American Drug Abuse Control Commission.

